

# تبلیغ و اطلاع رسانی دینی گوهری ناشناخته

دین و مذهب، اساس زندگی است. [www.mohsenesmaeili.com](http://www.mohsenesmaeili.com) اول تیرماه در تقویم کشور ما «روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی» نامیده شده است. ماهیت دینی جامعه ما و حتی ابتدای نظام سیاسی بر مبانی اسلامی، اهمیت این موضوع را در کشور ما مضاعف کرده است. با این حال به نظر می رسد هنوز هم، چه در میان نخبگان و چه در افکار عمومی، ارزش تبلیغ و جایگاه مبلغان، آنگونه که باید، شناخته نشده است. مقاله حاضر به تبیین این نکته اختصاص یافته است؛ نکته‌ای که به نظر می رسد همواره شایسته توجه است.

نگارش انسان به مذهب فطری است و به لطف خدا برایشان در پاسخ مثبت به این خواسته فطری و نفیوت آن همیشه بیشگام و زیاندار بوده‌اند. استقبال گرم اهل اسلام و بیستاری در دفاع اینار گشته از دین و نیز خدمات منحصر به فردی که در بین و تبلیغ معارف الهی از خود نشان داده‌اند، قابل نگر نیست. با این حال آسیب‌شناسی در این حوزه ضروری است تا دستاوردها و افتخارات تاریخی همکاران بیدار و بالنده باشند.

## اهمیت و ارزش تبلیغ

تخصیص نکته‌ای که بوجه به از ضروری است، پژوهش‌های جایگاه تبلیغ و ارزش مبلغان است. واقعیت آن است که حتی در میان نخبگان، اهمیت اطلاع رسانی دینی و جایگاه واقعی آن شناخته شده نیست و با حداقل پرور و ظهوری (در مقام انبیا) ندارد. این در حالی است که قرآن با معجزه بی‌پسند «کتابت حوض کعبه» از آن کسی که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و بگوید: «من ادر برابر خدا از تسلیه صد گانم؟» و پیامبر خدا به امیر مومنان فرمود: «ای علی! اگر خداوند به داستان بر انسان را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن مانده و غروب کرده، برای تو بهتر است، و برای توست ولایت او، ای علی!»

## افشاء یا تبلیغ؟!

استاد شهید مرتضی مطهری در «پیغام تبلیغ» رساله مهم افتاء و مباحث عقاید اسلامی می‌نویسد: «بعضی از مسائلی هست که ما بحق ارزش آن مسائل را درک کرده‌ایم، چون ارزش را یعنی سطحش را درک کرده‌ایم، قهرمان را در سطح خودش می‌سنجیم. مثلاً امر افتاء و فتوا دادن، حوسبه‌خانه تا حد زیادی، لااقل ۵۰ درصد، جامعه ما می‌شناسند که افتاء کاری است سنگین و در سطح بسیار بسیار بالا، نه افرادی زود حرات می‌کند، که چنین ادعایی کنند و نه اگر افراد خوش استقامتی این ادعا را کردند، جامعه رود می‌پذیرد. جامعه این را احساس کرده که سطح این کار بالاست، ولی مسأله دعوت مردم به سوی حق، مسأله تبلیغ مردم، مسأله ارسان و هدایت مردم، مسأله حرکت دادن مردم به سوی خدا که سخن، سخن حرکت دادن است اصطح آن شناخته نشده است.»

گرچه به برکت وجود عالمان برجسته‌ای مانند حضرات آیات عظام جسوادی املی در قم و حاج شیخ مجتبی تهرانی در تهران که در دهه‌های اخیر صحن افتاء و تدریس، از بلاغ و تبلیغ فروگذار نکرده‌اند، آن فضا به شدت کم رنگ بر از دوران‌های گذشته شده است؛ اما هنوز هم گاهی و ناآندامی پاسخگویی به نیازهای هر روز و حضور در زمان را نصیحه می‌دانند؛ از همان نوع که از قول ابانله العظمی خوبی راجع به امثال علامه طباطبائی نقل شده است.

## خوب است اما نه برای تو!

مرحوم استاد مطهری نمونه‌ای از خود را نقل می‌کنند که بسیار شنیدنی است. ایشان در مقدمه کتاب داستان راستان نوشته‌اند: «در مدتی که مشغول جمع‌آوری و تنظیم و نگارش یا چاپ

## مشت نمونه خروار

مطهری چنین ادامه می‌دهد: «اگر این منطق و این طرز تفکر مربوط به یک نفر یا چند نفر می‌بود، من در اینجا از آن نام نمی‌بردم، متأسفانه این طرز تفکر که جز یک بیماری اجتماعی و یک انحراف بزرگ از تعلیمات عالیه اسلامی چیز دیگری نیست - در اجتماع ما زیاد شیوع پیدا کرده، چه زبان‌ها را که این مصلحت نیست، و چه نام‌ها را که دشمنانه و به گوشه‌ای نهفته است» به همین دلیل است که ما امروز از لحاظ کتب مفید و مخصوصاً کتب دینی و مذهبی سوادمند، بیش از اندازه فقیریم. هر مدعی فصلی حاضر است ۱۰ سال یا بیشتر صرف وقت کند و یک رطب و یابس را به هم بیافد و به عنوان یک اثر علمی، کتابی تألیف کند و بسا کمال افتخار نام

خود را پشت آن کتاب نویسد، بدون آنکه یک ذره به حال اجتماع مفید فایده‌ای باشد. اما از تألیف یک کتاب مفید، فقط به جرم اینکه ساده است و کسر شأن است، خودداری می‌کند. نتیجه همین است که آنچه بایست و لازم است نوشته نمی‌شود و چیزهایی که زائد و بی‌مصرف است پشت سر یکدیگر چاپ و تألیف می‌شود، چه خوب گفته خواهد تصیر الدین طوسی؛

افسوس که آنچه بردام باختری است، بساخته‌ها تمام شناختنی است برداشته‌ها هر آنچه ماند نگذاشت. نگذاشته‌ها هر آنچه برداشتنی است عاقبت الامر در جواب آن آقایان گفتیم: این پیشنهاد شما مرا متذکر یک بیماری اجتماعی کرده، و نه تنها از تصمیم خود صرف‌نظر نمی‌کنیم، بلکه در بیماری اجتماعی نام خواهیم برد. بعد به این فکر افتادم که حتماً همان‌طور که عده‌ای کسر شأن خود می‌دانند که کتاب‌های ساده - هر چند مفید باشند - تألیف کنند، عده‌ای هم خواهند بود، که کسر شأن خود می‌دانند که دستورها و حکمت‌هایی که از کتاب‌های ساده درک می‌کنند به کار بندند!

## ریشه‌یابی مشکل

اینک جای این سوال باقی است که به رغم وضوح مسأله در فرهنگ اسلامی، چرا چنین غفلتی در فرهنگ ما به وجود آمده است؟ یا به تعبیر شهید مطهری «چرا ما در تاریخ اسلام از هر طبقه‌ای شخصیت‌های مبرز داشته‌ایم؛ ادبای بزرگ داشته‌ایم، حکماء بزرگ داشته‌ایم، فقهاء بزرگ داشته‌ایم، شعرا بزرگ داشته‌ایم، عاظم و خطباء بزرگ داشته‌ایم، و کتاب و نویسندگان بزرگ داشته‌ایم، متجربین و راهب‌یون بزرگ داشته‌ایم، سیاستمداران بزرگ داشته‌ایم، صنعتگران و هنرمندان بزرگ داشته‌ایم، ولی مصلحین نداشته‌ایم و از این جهت ما خیلی فقیریم. البته کم و بیش «مصلح» در میان ما

خود را پیش از آن کتاب نویسد، بدون آنکه یک ذره به حال اجتماع مفید فایده‌ای باشد. اما از تألیف یک کتاب مفید، فقط به جرم اینکه ساده است و کسر شأن است، خودداری می‌کند. نتیجه همین است که آنچه بایست و لازم است نوشته نمی‌شود و چیزهایی که زائد و بی‌مصرف است پشت سر یکدیگر چاپ و تألیف می‌شود، چه خوب گفته خواهد تصیر الدین طوسی؛

افسوس که آنچه بردام باختری است، بساخته‌ها تمام شناختنی است برداشته‌ها هر آنچه ماند نگذاشت. نگذاشته‌ها هر آنچه برداشتنی است عاقبت الامر در جواب آن آقایان گفتیم: این پیشنهاد شما مرا متذکر یک بیماری اجتماعی کرده، و نه تنها از تصمیم خود صرف‌نظر نمی‌کنیم، بلکه در بیماری اجتماعی نام خواهیم برد. بعد به این فکر افتادم که حتماً همان‌طور که عده‌ای کسر شأن خود می‌دانند که کتاب‌های ساده - هر چند مفید باشند - تألیف کنند، عده‌ای هم خواهند بود، که کسر شأن خود می‌دانند که دستورها و حکمت‌هایی که از کتاب‌های ساده درک می‌کنند به کار بندند!

افسوس که آنچه بردام باختری است، بساخته‌ها تمام شناختنی است برداشته‌ها هر آنچه ماند نگذاشت. نگذاشته‌ها هر آنچه برداشتنی است عاقبت الامر در جواب آن آقایان گفتیم: این پیشنهاد شما مرا متذکر یک بیماری اجتماعی کرده، و نه تنها از تصمیم خود صرف‌نظر نمی‌کنیم، بلکه در بیماری اجتماعی نام خواهیم برد. بعد به این فکر افتادم که حتماً همان‌طور که عده‌ای کسر شأن خود می‌دانند که کتاب‌های ساده - هر چند مفید باشند - تألیف کنند، عده‌ای هم خواهند بود، که کسر شأن خود می‌دانند که دستورها و حکمت‌هایی که از کتاب‌های ساده درک می‌کنند به کار بندند!

ظاهر کرده، اما نه آن اندازه که انتظار می‌رود، با اینکه ما اصلی در اسلام داریم به نام اصل امر به معروف و نهی از منکر. این اصل می‌بایست مصلحین را مادی به وجود آورده باشد. البته نباید انتظار داشت که به همان اندازه که مثلا ادیب یا حکیم یا فقیه یا منجم و ریاضیدان داشت‌ایم می‌بایست مصلح اجتماعی و دینی داشته باشیم. «مصلح» یک نبوغ و شخصیت و عمق نظر و دوراندیشی و گذشت دیگری لازم دارد و «مصلح» را عزیز الوجودتر و قلیل الوجودتر است، ولی فکر می‌کنم به همان نسبت هر که بسنجیم بزرگ نداشته‌ایم. چرا؟»

آن حکیم فرزانه می‌گوید: «این سؤالی است که فعلاً برای من مقدور نیست که بنوانم جوابی به آن بدهم. این قدر مصلح نداشته‌ایم و سخن از اصلاح کمتر شنیده‌ایم که فکر نمی‌کنم این هم یک شأن بزرگی است و شایسته مردان بزرگ است. اگر به ما بگویند امیرالمؤمنین یا سید الشهداء (سلام الله علیهما) مردی بود حکیم، همه معنای این کلمه را می‌فهمیم و این را مدحی برای آن حضرت می‌شماریم. همچنین است اگر بگویند مردی بود «فقیه» و عارف، به احکام الهی، یا بگویند مردی بود خطیب و فصحیح و بیخ ولی اگر بگویند مصلح بود، چیزی از این کلمه نمی‌فهمیم و چندان به نظر ما مهم نمی‌آید در صورتی که از همه شئون بالاتر همس است و خودشان هم همین اسم و همین شأن را برای خود پسندیده‌اند.»

## شرایط و صلاحیت‌های مبلغ

یکی از پیش‌نیازهای احیای جایگاه ارساطات دینی و از بین بردن ذهنیت‌هایی که به آن اشاره شد، ساماندهی کارگزاران تبلیغ و تربیت مبلغان صالح است. در اینجا به طور خاص باید بر صلاحیت‌های علمی، اخلاقی و مهارت‌های رهبری تأکید کرد.

این پیش‌نیازها باید پذیرفته تلقی شود، که استقبال به تبلیغ دین نیازمند دانش عمیق و گسترده نیست و متولسان نباید اجازه دهند هر کس به هر اندازه از دانش دینی و در هر زمان و به سلیقه خود به معرفی دین بپردازد.

برای همین است که قرآن کریم پیش از تسبیح به تبلیغ، توصیه به تحصیل و تفقه می‌کند و با لحنی بویخ امیر می‌پرسد: «پس چرا از هر فرقه‌ای، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین، آگاهی پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند - بیم دهند باشند که آنان از کفر الهی بترسند؟» و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرمود: «دین خداوند متعال را تنها کسی یاری می‌رساند که به تمام جوانب آن، احاطه داشته باشد.»

تأکید فراوانگان مقدم بر عبور از مراحل بالای تحصیلی، برای تصدی تبلیغ از «همین زاویه قابل تحسن است و رعایت نکردن آن می‌تواند، زمینه‌ساز ترویج مطالب، سست، حرافات و گاهی بدعت‌های خطرناک شود. علاوه بر این صلاحیت‌های اخلاقی و رفتاری است. اقل که به دین دعوت می‌کنند، اگر خود در عمل آراسته به آموزه‌های دینی نباشند، نه تنها سودی ندارند که به شدت زیان آور خواهند بود. برای همین است که پیروان ما (علیهم السلام) از ما خواسته‌اند که با کردار خود دین را تبلیغ کنیم، نه با گفتار؛ کونو دُعَاة النَّاسِ بِغَيْرِ السَّنَكِمِ.

امام حکیم و سفر کرده (اره) خطبای به صلاب گرانقدر می‌فرمودند: «شما وظایف سنگینی دارید، اگر در حوزه‌ها، به وظایف خود عمل نکنید و در حدود تهدیب خود نباشید و فقط دنبال فراتر رفتن چند اصطلاح بوده، مسائل فقهی و اصولی را درست کنید، در اتیه خدای نخواسته برای اسلام و جامعه اسلامی ضرر خواهید بود. ممکن است العیاذ بالله، موجب انحراف و گمراهی مردم شوید. اگر به سبب اعمال، کردار و رفتار ناروای شما بک نفر، گمراه شده، از اسلام برگردد، مرتکب اعظم کناثر می‌باشند و مشکل است توبه شما قبول گردد. چنانکه اگر یک نفر هدایت یابد - به حسب روایت - بهتر است از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد.»